



تعریف سینمای سیاسی چیست؟
اتفاق نظری در این باب وجود ندارد. اجازه دهید چند مثال بزنم. فیلم نبرد الجزایر ساخته جیلو پونته کوروو هم چنان که از عنوانش هم برمی‌آید درباره نبرد الجزایری‌ها برای کسب آزادی از یوغ فرانسوی‌هاست. اثری تمام و کمال سیاسی. در سوی دیگر به فیلم آوای موسیقی ساخته رابرت وایز نگاه کنیم که برای شیفتگانش اثری موزیکال است؛ برای والدین فیلم شبیرینی که مشتاقانه به چپ‌هایشان نشان می‌دهند، در حالی که برای گروهی هم فیلمی است با مضامین پررنگ سیاسی حول مبارزه خانوادگی یکبار چپ‌شده برابر نازیسم. فیلم‌های تارزان ظاهر سرگرم‌کننده‌ای دارند ولی حکایات سیاهیانی هم هستند که رهبری مرد سیدپوست را پذیرفته‌اند. تارزان با مضامین استعماری و نژادپرستانه گره می‌خورد. یعنی می‌توان از مسیرهای متفاوتی به سیاست در دل فیلم‌ها رسید.

آ از کجا باید شروع کرد؟

از تعبیر و تفسیر تماشگر. از دامنه نگاهش.از «سیاست» که تعاریف پرشماری دارد. سیاست در ریشه عربی با «رام کردن اسب» گره می‌خورد. در زبان انگلیسی همان «Politics» است. یعنی شیوه عمل یا اصول و قواعد بنیادین. واژه‌اش یعنی «مسیر و راهی که آدمی طی می‌کند»، یعنی «خط مشی». سیاست در اصطلاح عام یعنی روند و اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌های فردی و جمعی. در اصطلاح خاص یعنی روند و اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌های حکومتی و کشوری. در علم سیاست یعنی «تدبیر امور کشور». در علوم مدیریتی یعنی «برنامه و دستورالعمل». این امر در کشور ما تا حدی پیچیده‌تر هم هست. در ایران ما، کمتر اثر مستقلی در باب سیاست نوشته شده.

آ کتاب‌ها و رسانه‌های پرشماری در این زمینه وجود دارند.

بیشتر آثار منتشرشده معاصر یا در تایید آثار غربی بوده‌اند یا در نفی‌شان. در حالی که علوم سیاسی در

نگاهی به یک انتخاب خارجی

مریم عباسی: چندی پیش بود که مجله فارن پالیسی در انتخابی ۱۰ فیلم سیاسی ایران را برگزید؛ فیلم‌هایی که به زعم نویسنده به موضوع سیاسی پرداخته‌اند. اما نکته جالب این است که بیشتر حواشی اطراف این فیلم‌ها و نه موضوعاتش رویکرد سیاسی دارد. این فیلم‌ها هر کدام در طول این سال‌ها سبب‌ساز یک اتفاق سیاسی شده‌اند یا با رویکردی سیاسی رویه‌ور شده‌اند. در این فهرست نام «دربوش مهرجویی» و «مسعود کیمیایی» دو بار تکرار شده است. مثلاً در این فهرست فیلم «گلو» ساخته درپوش مهرجویی در رتبه نخست قرار دارد. در این گزارش می‌آید شاه‌اکران فیلم را از آن زمان به دلیل نمایش ایران به عنوان کشوری فقیر و عقب‌مانده ممنوع کرد اما شایع شد که امام خمینی (ره) از این فیلم حمایت کرده و همین دلیل باعث شد او هیچ فیلمی را در آن سال توقیف نکند. گویزه ساخته مسعود کیمیایی در سال ۱۹۷۸ در سینما رکس آبادان اکران شده؛ زمانی که درهای سینما قفل شد و ۵۰۰ نفر از تماشاچیان فیلم

جمال ساداتیان:

سینمای سیاسی همان نقد حاکمیت است

تهیه‌کننده‌ها در زمینه سینما با سرمایه‌گذاری‌ای که انجام می‌دهند کمتر خطر می‌کنند تا فیلم‌هایی بسازند که توقیف شوند. این اتفاق درباره «به رنگ ارغوان» افتاد. جمال ساداتیان درباره برخی مسایل فیلم‌های سیاسی سخن گفته‌است.

تعریف سینمای سیاسی چیست؟

سیاست به طور کلی تحت عنوان عملکرد حاکمیت تعریف می‌شود. اما اینکه ما چقدر اجازه داریم در حوزه‌های عملکرد مسوولان دولتی وارد شویم، خودش جای بحث و بررسی فراوان دارد. حالا سینمای ما که دیگر تعریف خودش را دارد. خود من فیلم «به رنگ ارغوان» را به‌عنوان فیلمی که تهیه‌کنندگی‌اش بر عهده من بود، میدانم سیاسی نمی‌دانم و بار عاطفی بیشتری برای آن قایل هستم و فکر می‌کردم موضع اجتماعی با رگه‌های سیاسی دارد. وقتی به سینماگر اجازه داده شود تا عملکرد دولت حاکم را نقد کند، سینمای سیاسی شکل می‌گیرد؛ که البته ما این بخش را در ایران کم داشتیم.

تفاوتش با سینمای برگرفته از ایدئولوژیک چیست؟

سینمای ایدئولوژیک بیشتر حوزه‌های دینی و معنوی را دربر می‌گیرد. اما در حوزه سیاست عملکرد سیاسی حاکمان نقد می‌شود. به نظر من در سینمای ایدئولوژیک، مکاتب و مذاهب حرف اول را می‌زند و معرفت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ این شاید فرق عمده سینمای سیاسی با سینمای ایدئولوژیک باشد که البته سینمای ما

سینما

گفت‌وگو با حمیدرضا صدر:

سینمای سیاسی نیازمند پذیرش انتقاد

قارون بخشی از تاریخی اجتماعی دوران بود. فردین می‌توانست قهرمان قشر زحمتکش، طبقه کارگر و آدم خیابانی باشد. وقتی او در صحنه‌ای عباس شباویز متجدد امروزی را به سادگی درون استخر انداخت بسیاری از تماشاگران حاضر در سالن سینما برایش دست زدند و هورا کشیدند. آرمان به نقش قارون متحول نیز برابر فردین به زانو درآمد و غبطه زندگی ساده‌اش را می‌خورد. یا درخصوص فیلم «گاو» می‌نویسد: «فیلم گاو تصویر سیاهی از زندگی روستایی با هر نوع زندگی اجتماعی در روزهای اوج نظام شاهنشاهی بود.» نگارنده درباره نمایش فیلم‌های دیگری می‌گوید: «اوایل سال‌های دهه ۷۰، دوران سیاست‌زدگی در همه چیز از جمله سینما بود. فیلم‌های ایرانی در شرایطی که رسانه‌های خارجی تصویر منفی از مردم ایران می‌ساختند در آثاری مثل «خانه دوست کجاست» و «باشو غریبه کوچک» شمایل متفاوتی از ایران به نمایش گذاشتند.»

شوروی است؛ سینمایی که ایدئولوژی کمونیسم را ارج می‌نهد؛ طبقه کارگر را تکریم می‌کرد و سرمایه‌دارها را به سخره می‌گرفت. لنین از سینما به‌عنوان تأثیرگذارترین رسانه روی توده‌ها نام برده بود. در سوی دیگر سیاهه فیلم‌های آمریکایی جلب نظر می‌کنند؛ فیلم‌هایی که راه و رسم آمریکایی را به‌خورد تماشاگر می‌دهند. مصرف‌گرایی را آمریکا را ناجی و نجات‌دهنده معرفی می‌کنند. کمونیست‌ها را البته تصویر می‌کنند. فیلم‌های دوران نازی‌ها در آلمان هم نمونه‌های کلیدی برای مطالعه در باب سینمای برگرفته از ایدئولوژی هستند. جوزف گوبلز وزیر تبلیغات رایش سوم درک والایی از عملکرد ایدئولوژیک سینماداشت.

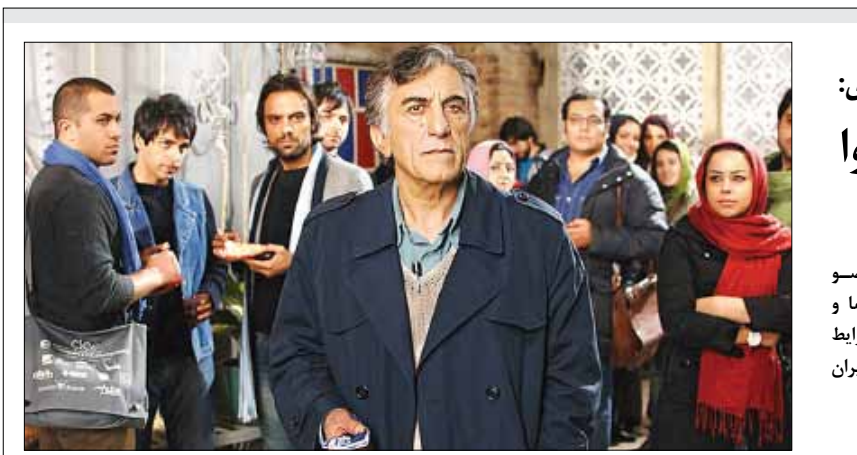
آ آیا در ایران اصلا این امکان وجود دارد که فیلم سیاسی ساخته شود؟

تصور می‌کنم آثار سینمای معاصر ایران در هر دوره بازتابنده حال و هوای سیاسی بوده که نیاز به بحث مفصلی دارد. مثلاً اینکه در دهه ۶۰ زن جایی در سینمای ایران ندارد ولی روابط بزرگسالانه با ترسیم مرادفات کودکان ارایه می‌شوند در همان فیلم‌های موسوم به سینمای کودک.

آ یعنی ممیزی‌ها نمی‌توانند جلو ساخته شدن آثار سیاسی را بگیرند؟
همیشه و همه جا چار چوب‌هایی وجود داشته‌اند. نکته این است که چارچوب‌سازی‌ها معمولاً نتوانسته‌اند جلو ساخته شدن بروز مسایل سیاسی در فیلم‌ها را بگیرند. خیلی‌ها اعتقاد دارند بهترین فیلم‌های سیایی آمریکا در دوران مک کارتیسم که جنون چپ‌کشی ایالات متحده را فراگرفته بود ساخته شدند. به مدد استعداها و تشبیهات، فیلم‌های علمی تخیلی و آثار گنگستری.

آ آیا در طول این سال‌ها ما فیلمی داشته‌ایم که بتوانیم آن را کاملاً با این مشخصات بدانیم و در زائر سیاسی قرارش دهیم؟

کنار آمدن با واژه «کمالا» سخت است. رسیدن به زائر



سینمای ایدئولوژیک سینمای جانب‌دار است. در واقع سینمایی است که وقتی به تماشایش می‌نشینید، همه چیز آن روشن است و کارگردان هدفش از ساخت فیلم این است که نظرات ایدئولوژیک خود را اثبات کند. در این‌طور فیلم‌ها تماشاگر در فضای آزادانه‌ای برای رسیدن به قضاوت نیست؛ در واقع قضاوت او به تحمیل می‌شود. به هر حال روایت کلاسیک دانای کل نامحدود است. در این نوع روایت خواه ناخواه فیلمساز و نویسنده موضعی جانبدارانه دارند و قهرمان را بر حق دانسته و از آغاز تا پایان مخاطب با او حرکت کرده و کسی هم که رویه‌روی قهرمان ایستاده، فرد بقی نیست. فیلم ایدئولوژیک از جهان تعریفی سیاه و سفید دارد؛ با من یا بر من. افرادی که با من هستند، در اردوگاه خائنان قرار دارند و آنها که بر من هستند، در اردوی خائنان خواهند بود. فیلم ایدئولوژیک می‌تواند فیلم سیاسی هم باشد اما فیلم سیاسی که ایدئولوژی‌زده نیست، بیشتر می‌تواند تماشاگر را به سمت تصمیم‌گیری آزادانه سوق بدهد. به نظر من سینمای سیاسی که تماشاگر را وادار به پرسشگری می‌کند، سینمای موفق‌تری است تا فیلم‌هایی که تکلیف تماشاگر را به طور قطع و یقین روشن می‌کنند و به سمتی می‌برند که خودش‌ان می‌خواهند.

آ آیا در ایران شرایط تولید فیلم سیاسی وجود دارد؟
تا جایی که روند معقول فیلمسازی را می‌دانم، باید بگویم در جوامعی که قرائت رسمی در همه زمینه‌ها قرائت ثابت شناخته می‌شود و در مقابل بقیه قرائت‌ها سرسختی نشان داده شود، طبیعتاً امکان ساخت فیلم سیاسی به معنای دقیق کلمه وجود ندارد. این ماجرا یک داستان بدون شرح است. شما به فیلم‌های سال گذشته نگاه کنید؛ فیلمی که عنوان فیلم سیاسی داشت و همه جرح حمایت از آن صورت گرفت و برای کشاندن مخاطب به سینما، قرعه‌کشی و ماشین هم لحاظ کرد و مدیران فرهنگی هم تهیه‌کننده آن بودند، اکران شده، اما فیلم دیگری که تقریباً سیاسی محسوب می‌شود و کارگردانی مثل حاتمی کیا سازنده آن بود، در محاق توقیف قرار گرفت و همچنان هم توقیف

نگاه خارجی

۵ فیلم برتر سیاسی دنیا
هالیوود با چهره‌های زشت
بو ویلیمون / فاطمه عسگری آزاد
مدت‌زمانی طولانی است که فیلمسازان به درام‌هایی در مورد رقابت‌های انتخاباتی علاقه‌نشان می‌دهند، حتی چارلز فلستر کین «همشهری کین» هم وارد این رقابت‌ها شده بود. فیلم «جیمه ما مارس» تازه‌ترین فیلمی است که به این گروه از فیلم‌ها پیوسته است. در این فیلم جورج کلونی برای ریاست‌جمهوری تلاش می‌کند، فیلیپ سیمور هافمن مدیر کمپین اوست و بیل جیمایتی نیز مدیر کمپین رقیب انتخاباتی جورج کلونی است. «جیمه ماه مارس» بر اساس نمایشنامه‌ای به نام «شمال فراگوت» توسط بو ویلیمون نوشته شده است. کسی که در حال حاضر مشغول اقتباس از سرپال انگلیسی «خانه پوшایی» -جاستان دیگری پیرامون دنیای کثیف سیاست- برای یک شبکه تلویزیونی آمریکاست. این فهرست، پنج فیلم برتر سیاسی را به انتخاب ویلیمون نشان می‌دهد.

کاندیدا (۱۹۷۲)

کاندیدا فیلمی کلاسیک است درباره یک کمپین انتخاباتی، از ابتدا تا انتهای آن؛ فیلمی که نشان می‌دهد تلاش برای یک منصب چگونه می‌تواند یک نامزد و اطرافیان‌ش را به مخاطره بیندازد. رابرت ردفورد در ابتدا یک وکیل آرمانگراست که در طول فیلم تبدیل به یک سناتور سازشکار می‌شود. این فیلم همه مولفه‌های یک فیلم بزرگ را دارد؛ صادق، خنده‌دار و دقیق است. در صحنه معروف پایانی فیلم، سناتور مک کی پیروز انتخاباتی (رد فورد) می‌پرسد «حالا چه کار کنیم؟» همان‌طور که این سوال در هوا معلق است فیلم پایان می‌یابد. اما این پرسش در قلب هر مبارزه انتخاباتی وجود دارد. پس از صرف تمام پول‌ها و انرژی‌ها برای پیروزی، با قدرتی که از سوی رای‌دهندگان به تو واگذار شده باید چه کاری انجام دهی؟ بازی رد فورد در سراسر فیلم فوق‌العاده است. (و این نکته را هم اضافه کنیم: کیست که به رد فورد رای بدهد؟ حتی اگر سیاست‌هایش را هم دوست نداشته باشید عاشق موهایش که هستند)

همه مردان رئیس‌جمهور (۱۹۷۶)

باز هم رابستر ردفورد باید اعتراف کنم که علاقه



خاصی به او دارم. این فیلم براساس درون‌مایه کتابی با همین نام که در مورد بلندپروازی‌های روزنامه‌نگاران جوان است ساخته شده است. ساختن این فیلم تقریباً همانند خود رسوایی خبرساز شد. پس از آن روزنامه‌نگاران در حقیقت از گزارشگران ساده به قهرمانانی تبدیل شدند که برای حقیقت می‌جنگیدند. از آن زمان به بعد ممکن است عده‌ای این ایراد را بر رسانه‌ها بگیرند که جریان اصلی رسانه‌ها بر احساسات‌گرایی و در برخی موارد پروپاگاندا (کسی از فاکس‌نیز حرفی زد؟) تمرکز دارد. در این فیلم توسط دوست و استاد من «ولیاام گلدمن» توشه شده است و چگونگی به خاک سیاه نشاندن نیکسون توسط دو روزنامه‌نگار جوان به نام باب وودوارد و کارل برنشتاین را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که گاهی اوقات قدرت قلم از قلب بیشتر است.

اتاق جنگ (۱۹۹۳)

رسانه‌ها بار دیگر تلاش کردند تا رئیس‌جمهوری را از قدرت پایین بکشند. این بار بیل کلینتون هدف اصلی بود (اگرچه بر خلاف مورد نیکسون آنها موفق نشدند). در پی رسوایی ضعیف لوینسکی و تلاش برای برکناری کلینتون که با یک رای شکست خورد این فیلم مستند به خوبی روزهای آرمانی مبارزات انتخاباتی کلینتون در سال ۱۹۹۲ را به تصویر می‌کشد. فیلم همچنین نگاه بی‌سابقه‌ای به مشاغل ابتدایی استراتژیست‌های سیاسی مانند «جورج استفانوپولوس» و «جیمز کارویل» دارد.

نزاع خیابانی (۲۰۰۵)

نزاع خیابانی فیلمی هم‌عصر از با «اتاق جنگ» اما به نسبت این فیلم کمتر شناخته‌شده‌است. این فیلم دلستان کوری بوکر (ایلمای واقعی) را در مبارزه برای سرنگونی شهردار وقت نیوآرک «جیمز شارب» دنبال می‌کند. این فیلم راجع به سرنگونی سیاسی، سیاست‌های کثیف و درگیری‌های محلی است. بوکر باید با تلاش‌های (غالب غیرقانونی) جیمز برای خنثی کردن کارزار انتخاباتی خود در هر مرحله مقابله کند. توانایی بوکر در مواجهه‌بی‌پایانه با دستگاه ظالم سینمایی جیمز واقعاً نشان‌آورد است. بوکر می‌بازد اما پایان خوش داستان در این است که او انتخابات آینده شهرداری را پیروز می‌شود. ساختن فیلمی که در آن واحد خوش‌بینانه و بدبینانه و همچنین به یک میزان ترسناک و امیدوار کننده باشد، دشوار است. نزاع خیابانی تمام این موارد را با هم دارد.

سگ را بجنگان (۱۹۹۷)

من «سگ را بجنگان» را دیدهام. در این فیلم رئیس‌جمهور آمریکا به علت اینکه در آلمان عمومی به فساد اخلاقی متهم شده است، موقعیت خود را در آستانه انتخابات از دست‌رفته می‌بیند، چگونه می‌توان موقعیت خود را بازافت؟ ابداع جنگی جملی با آلبانی، مطمئناً! ممکن است این فیلم در آن زمان عجیب به نظر برسد اما از حقیقت دور نیست. فرور فراوان، پول‌های فراوانی که بیهوده در هوا پرت می‌زند و یک تعریف بسیار بی‌قاعده از «صداقت» باعث می‌شود که واشنگتن دی‌سی را چندان متفاوت با هالیوود ندانم. در حقیقت بسیاری از مردم می‌گویند واشنگتن دی‌سی دقیقاً مانند هالیوود است با این تفاوت که آنجا جایی برای آدم‌های زشت است.